



بررسی و تحلیل صیانت و صدور ارزش‌های انقلاب اسلامی در بستر حکمرانی مجازی

علی اخترشهر^۱*

چکیده

هر انقلابی که در هر گوشه‌ای از دنیا اتفاق بیفتد حتی اگر ایدئولوژی جهان‌شمولی هم نداشته باشد، دست‌کم بر اساس «نظریهٔ پخش یا اشاعه» بر کشورهای همجوار خود تأثیر خواهد گذاشت و موجب تحولاتی انقلابی در آنها خواهد شد. هدف این پژوهش آن است که عوامل تداوم و استمرار این شیوه در نظام جمهوری اسلامی بررسی و تفاوت بین حکمرانی با حکمرانی مجازی معلوم گردد. روش تحقیق این پژوهش بر اساس الگوی کنترلی و دولت‌محور، تحلیل اسنادی و کتابخانه‌ای است. پرسش اصلی در این پژوهش آن است که آیا حکمرانی مجازی بسترسازی مناسب برای صیانت و صدور انقلاب اسلامی فراهم می‌کند؟ انقلاب اسلامی از طریق کنش‌گری فعال در حوزه حکمرانی مجازی، فضای امنی جهت صیانت از ارزش‌های انقلاب اسلامی و صدور آن فراهم می‌کند و این از طریق ویژگی‌ها و ابزاری است که حکمرانی مجازی دارد. روشن است که شکل‌گیری فضای مجازی برای انقلاب اسلامی که انگیزه تمدن‌سازی و جهانی‌شدن دارد، فرصتی طلایی است؛ به بیان دیگر

۱. استادیار گروه معارف اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد لاهیجان، لاهیجان، ایران (akhtarshahr@yahoo.com).





شکسته شدن مرزهای فیزیکی و کمرنگ شدن نظم دولت-ملت بیش از آنکه برای انقلاب اسلامی تهدید باشد، فرصت است و روح تازه‌ای را به حرکت جهانی انقلاب اسلامی می‌بخشد و انقلاب اسلامی از این طریق می‌تواند به اهداف متعالی خود دست یابد.

کلیدواژه‌ها:

حکمرانی، حکمرانی مجازی، انقلاب اسلامی، جنگ نرم.



۱. مقدمه و بیان مسئله

فضای مجازی در زمانه حاضر در تمامی ابعاد زندگی فردی و اجتماعی مردم جهان نفوذ کرده و در حال ایجاد یک تمدن جدید بشری است که از تمدن‌های قبل به مراتب فراگیرتر است. حکمرانی چنین فضایی که از یک طرف با تسهیل ارتباط، ارائه فناوری‌ها، خدمات جدید و شگفت‌آور ضریب نفوذ بسیار بالایی دارد و از طرف دیگر با قابلیت‌های خود در حال تبدیل کردن حاکمیت ملی-حکومتی به یک حاکمیت شبکه‌ای- فرامرزی است، امری بسیار پیچیده و خطیر است.

این مسئله بیش از سایر کشورها برای جمهوری اسلامی ایران یک فرصت محسوب می‌شود؛ چراکه کشورمان از یک طرف همواره در معرض تهدیدات دشمنان خود به‌خصوص جریان استکبار جهانی و صهیونیسم قرار دارد و اکثر شرکت‌های بزرگ و صاحب نفوذ در فضای مجازی تحت سلطه این جریان‌اند و از طرف دیگر تأثیر انقلاب اسلامی بر منطقه و جهان مخصوصاً برای ملت‌های که زیر یوغ کشورهای مستبد خود هستند، فرصت طلایی است.

جمهوری اسلامی ایران به عنوان نظام سیاسی برآمده از انقلاب اسلامی و در چارچوب اصل دعوت، صدور انقلاب را در دستور کار خود قرار داده است؛ به گونه‌ای که صدور انقلاب به صورت یک اصل و هدف در جمهوری اسلامی درآمده است. با وجود این صدور انقلاب در دوره‌های مختلف انقلاب اسلامی ایران معنا و مفهوم مختلفی یافته و از الگوها و ابزارهای متفاوتی سود برده است؛ به طوری که می‌توان از الگوهای مختلف صدور انقلاب اسلامی سخن گفت. اما آنچه در صدور انقلاب مطرح است، صدور خود انقلاب نیست، بلکه صدور ارزش‌های انقلاب اسلامی است؛ ارزش‌هایی همچون مردم‌سالاری دینی، عدالت و ظلم‌ستیزی. از طرفی صحبت از حکمرانی یعنی در فضای سایبری با آن ویژگی‌ها و ابزار مطلوبی که دارد، می‌تواند به صیانت از ارزش‌ها و صدور انقلاب اسلامی بینجامد.

مسئله اصلی

تحولات دیجیتال با پیشرفت‌های بی‌سابقه‌ای در فناوری همراه بوده است که نحوه زندگی، کار و تعامل افراد و گروه‌های مختلف جامعه را تغییر داده است. ظهور فناوری‌های جدید سبب



پیوستگی و همگرایی فناوری‌های قدیم و جدید با یکدیگر شده است. این ارتباطات منجر به همگرایی شبکه‌های مخابراتی، اطلاعاتی و تلویزیونی با یکدیگر شده است. از مصادیق این همگرایی می‌توان به امکان مکالمه و انتقال پیام روی شبکه اینترنت، ویدئوی خانگی اینترنتی و دسترسی به اینترنت روی شبکه‌های موبایل اشاره کرد. از این رو حکمرانی فضای مجازی یکی از چالشی‌ترین حوزه‌های پیش روی حاکمیت‌هاست و موفقیت در آن نیازمند کسب شناختی صحیح از این پدیده، چالش‌های پیش روی آن و ارائه راهکارهای مناسب در جهت حل آن است.

بر این اساس سؤالات پژوهش حاضر عبارت‌اند از:

آیا حکمرانی مجازی بسترسازی مناسب برای صیانت و صدور انقلاب اسلامی فراهم می‌کند؟
در ادامه دو سؤال فرعی هم قابل طرح است:

۱. مزیت و آسیب‌های حکمرانی موجود کدام است؟
۲. آیا امکان دست‌یابی به واقعیت مطلوب از طریق حکمرانی مجازی جهت صدور ارزش‌های انقلاب اسلامی وجود دارد؟

۲. ادبیات موضوع و پیشینه

۲-۱. مبانی نظری

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی و طرح مسئله صدور انقلاب، نظریات و برداشت‌های متفاوتی از این سیاست صورت گرفت و هر یک تلاش می‌کردند صدور انقلاب را از دیدگاه خود توجیه و تفسیر نمایند. با وجود این عده‌ای هم اعتقادی به صدور انقلاب نداشتند و انقلاب را فقط در چهارچوب مرزهای ملی بررسی می‌کردند. به طور کلی دیدگاه‌های موجود در مورد صدور انقلاب را می‌توان به سه دسته تقسیم‌بندی کرد:

۱. دیدگاه ملی‌گرایی و ناسیونالیسم که این دیدگاه مخالف صدور انقلاب است و معتقد است انقلاب فقط در چهارچوب مرزهای ملی قابل قبول است و باید از ایجاد حساسیت جهانی دوری جست.



۲. دیدگاه انقلابیون که دیدگاهی ایدئولوژیک و آرمان‌گرا بود و با شعار اسلام مرز نمی‌شناسد و دارای رسالت جهانی است، به دنبال گسترش افکار و ایده‌های انقلابی حتی به قیمت اعمال زور و خشونت بودند.

۳. دیدگاه سوم را می‌توان یک دیدگاه میانه‌رو و واقع‌گرا دانست. این دیدگاه معتقد است ابتدا باید در داخل یک جامعه نمونه و الگو بسازیم تا دیگران از آن الگوبرداری کنند (محمدی، ۱۳۸۵: ۶۱-۶۶) و سپس در صدد صدور این الگو برآیم. بنابراین ساختن الگو در حوزه داخلی برای انقلاب اسلامی از طریق حکمرانی مطلوب قابل اعمال است و در حوزه خارجی از طریق حکمرانی مجازی؛ زیرا حکمرانی که غرب بر آن تکیه می‌کند، دچار آسیب‌ها و نواقص زیادی است.

پژوهش حاضر با الگوبرداری از دیدگاه سوم بر آن است نشان دهد دیدگاه سوم و تلاش برای الگوسازی همواره در اولویت جمهوری اسلامی برای صدور انقلاب بوده است و ضمن نشان دادن ناکامی دو دیدگاه نخس، سیاست الگوسازی در داخل و عرضه توان‌مندی‌ها و دستاوردهای انقلاب به دیگران بر پایه قدرت نرم انقلاب اسلامی را به عنوان دیدگاه غالب و پایه تحقیق پیش رو می‌داند و تأکید دارد سیاست صدور انقلاب اسلامی ایران در صورتی با استقبال دیگران مواجه می‌شود که مدل تجربه‌شده و موفق آن را در داخل کشور ببینند و به ارزش و اهمیت دستاوردهای آن پی ببرند. در این صورت استفاده از تجربیات ایران و اشاعه آرمان‌های انقلاب اسلامی با استقبال دیگران روبه‌رو خواهد شد. یکی از دیدگاه‌های مطرح‌شده در مورد صدور انقلاب این است که بر نقش ایران به عنوان ام‌القرای جهان اسلام تأکید شده است. در واقع کشوری ام‌القرای جهان اسلامی می‌شود که دارای لیاقت رهبری کل امت باشد. ملاک اصلی رهبری بر امت‌ها، ولایت است نه موقعیت استراتژیکی و امثال آن و این کشور باید سطح رهبری خود را از مرزهای جغرافیایی اش فراتر ببرد (صدقی، ۱۳۸۶: ۸۱). در این دیدگاه ایران به عنوان رهبر کشورهای اسلامی شناخته می‌شود که برای نجات مظلومان و رهایی محرومان و گسترش اسلام تحت امر ولایت در خارج از مرزهای ملی فعالیت می‌کند. البته این نظریه، حفظ ام‌القرا را بر هر امر دیگری ارجح می‌داند و تأکید اولیه آن بر جامعه داخلی است که لازم است به عنوان الگو و نمونه ساخته شود (یزدانی، ۱۳۹۱: ۸۶-۵۹).



نظریه‌پردازان انقلاب، مبحث صدور انقلاب را یکی از مباحث ذاتی انقلاب‌ها می‌دانند؛ زیرا هر انقلابی که در هر گوشه‌ای از دنیا اتفاق بیفتد، حتی اگر ایدئولوژی جهان‌شمولی هم نداشته باشد، حداقل بر اساس نظریهٔ پخش یا اشاعه بر کشورهای هم‌جوار خود تأثیر خواهد گذاشت و موجب تحرکاتی انقلابی در آنها خواهد شد؛ همان‌گونه که وقوع انقلاب ایران موجب بروز ناآرامی‌هایی در عراق، بحرین و عربستان در همان روزهای اول پیروزی انقلاب شد (اسپوزیتو و افتخاری، ۱۳۷۸: ۱۳).

این نظریه یکی از دیدگاه‌های رایج در باب توضیح چگونگی انتشار نوآوری‌ها و گسترش ایده‌ها و اندیشه‌هاست؛ هرچند جغرافی‌دان سوئدی در خاستگاه اولیه آن در رشتهٔ جغرافیای سیاسی است که از هاگر استرنند (Hager Strand) سال ۱۹۵۳ میلادی در خصوص چگونگی گسترش جغرافیای سل‌گاوی به کار گرفت و بعدها در علوم انسانی و از آن جمله بازتاب انقلاب‌ها به کار گرفته شد (ر.ک: بزرگر، ۱۳۸۲).

این مقاله علاوه بر روش بالا بر اساس نظریه برجسته‌سازی (Agenda setting) به دنبال این مسئله است که مدعی یک رابطه مثبت بین آن چیزی است که رسانه‌های جمعی متعدد بر آن تأکید می‌کنند و آنچه رأی‌دهندگان به عنوان یک امر به شمار می‌آورند، بلکه همچنین این تأثیرگذاری را به عنوان یک فرآوردهٔ گریزناپذیر جریان عادی اخبار تلقی می‌کنند. مفهوم کارکرد برجسته‌سازی رسانه‌های عمومی یک مفهوم ارتباطی است که به وجود رابطه‌ای قوی بین تأکید جمعی و برجستگی این مباحث برای افراد در میان مخاطبان تصریح می‌کند. این مفهوم در شرایط علت و معلولی بیان می‌شود (ایرانی‌پور، ۱۳۸۸: ۸۵). اولویت در عرصه سیاسی بر سه بعد حمایت، احتمال عمل و آزادی عمل (گسترهٔ اقدامات دولتی) مد نظر است (ایرانی‌پور، ۱۳۸۸: ۸۵).

الف) حکمرانی

حکمرانی (Governance) مفهومی گسترده‌تر از حکومت دارد. تعاریف متعددی از حکمرانی ارائه شده است که برخی از آنان در ارتباط با مفاهیم اقتصاد و حتی اقتصاد سیاسی مطرح می‌شوند. با این حال در تفکیک میان حکمرانی و حکومت باید گفت حکومت صرفاً کنترل فرایندهای سیاسی،



اقتصادی و مدیریتی را شامل می‌شود که توسط گروه حاکم صورت می‌گیرد و می‌توان آن را به طور مصطلح «بخش حکومتی» نام داد؛ اما حکمرانی شامل بخش حکومتی همراه با دو بخش مجزای دیگر، بخش‌های بازرگانی و جامعه مدنی نیز می‌شود. فلسفه حکمرانی نیز این است که با ادغام سه بخش حکومتی، بازرگانی و جامعه مدنی فوق، مقامات کارهای خود را به نحو مؤثرتری انجام دهند و بدین ترتیب شکل‌گیری «جامعه مطلوب» بیشتر تحقق می‌یابد (امام‌زاده فرد، ۱۳۹۰: ۳۵). از این منظر، نظام حکمرانی جامعه عهده‌دار تصمیم‌گیری‌ها و ایجاد سازوکارهایی برای بهره‌مندی عادلانه از نعمت‌ها، مواهب و خیرات در اجتماع است.

حکمرانی در واقع قدرت برتری است که در حیطه دولت-کشور، اراده‌ای فراتر از آن وجود ندارد؛ به گونه‌ای که در مقابل اعمال اراده و اجرای اقتدارش مانعی نمی‌پذیرد و از هیچ قدرت دیگری تبعیت نمی‌کند. این قدرت و اقتدار حاصل شده بر پایه ملت دارای هویت مشترک شکل گرفته و در پهنه جغرافیایی خاصی زیست می‌کند. این اقتدار درونی و هویت ملی و مشترک با گسترش فضای مجازی در حال به‌چالش کشیده شدن است (کیان‌خواه، ۱۳۷۹: ۶).

بنابراین حکمرانی اعمال قدرت اقتصادی، سیاسی و اداری برای مدیریت امور کشور در همه سطوح است. حکمرانی شامل فرایند تصمیم‌گیری، اجرا، نظارت و ارزیابی و سازوکارهایی است که از طریق آنها شهروندان و گروه‌ها منابع خود را دنبال و حقوق قانونی‌شان را اعمال و تعهدات خود را عملی می‌کنند و اختلاف نظر را به بحث می‌گذارند (چیبامبو، ۲۰۱۸).

حکمرانی مطلوب کوششی است در جهت حاکمیت قانون شفافیت، مسئولیت‌پذیری، مشارکت، برابری، کارایی، اثربخشی، پاسخ‌گویی و دیدگاه استراتژیک در اعمال اقتدار سیاسی، اقتصادی و اداری (می‌دری، ۱۳۸۳: ۹۰). نکته قابل توجه آن است که این حکمرانی با این ویژگی‌ها تنها در حوزه نظری و روی کاغذ مانده و عملاً دولت‌ها در اعمال آن موفقیتی کسب نکرده‌اند؛ به عبارت دیگر دولت‌ها تا به امروزه نتوانستند در بعد قانون‌گذاری و اجرایی قانون به شفافیت برسند یا مسئولیت‌پذیری افراد جامعه را در فرامین دولت‌ها بیشتر کنند یا بتوانند حضور مردم را به مشارکت در امر حکومت روز به روز افزایش دهند.



ب) حکمرانی مجازی

حکمرانی مجموع روش‌هایی است که افراد و نهادها - خصوصی و عمومی - امور مشترک خود را مدیریت می‌کنند. تنظیم کردن کارکرد نظام‌های حکمرانی و اجزای آن سبب بقا و تحقق اهداف نظام می‌شود. برای اینکه نظام تنظیم‌گری از اثربخشی و کارایی لازم برخوردار باشد، لازم است مجموعه‌ای از کارکردها، توسط نهادهای تنظیم‌گر محقق شود؛ زیرا همان طور که فناوری‌های در حال ظهور، در تلاش برای انتقال قدرت از دولت به شرکت‌ها و کنش‌گران غیردولتی‌اند، نگرش سنتی حکمرانی نیز به عنوان یک مفهوم در حال تغییر و توسعه است.

در دنیای امروز با قطعیت می‌توان گفت همه کشورها حاکمیت ملی را به فضای مجازی گسترش داده‌اند؛ هرچند درک متفاوتی درباره ایده‌ها و شیوه‌های اعمال این حاکمیت وجود دارد. از نیمه قرن بیستم، وزارت دفاع آمریکا سرمایه‌گذاری و تحقیق برای ایجاد یک شبکه گسترده ارتباطی و تبادل اطلاعات مبتنی بر علوم کامپیوتری را آغاز کرد. این تلاش‌ها پس از حدود سه دهه تکامل یافت و تبدیل به شبکه جهانی اینترنت شد که از آن پس سرعت نوآوری و تغییر و تحولات در آن روز به روز بیشتر و بیشتر می‌شود. به این ترتیب قلمرو پنجم نیز به موضوع حاکمیت اضافه شد: حاکمیت بر فضای مجازی (آیت‌الله خامنه‌ای، بیانات در تاریخ ۱۶/۰۶/۱۴۰۳). اگر ما توانستیم در فضای مجازی حکمرانی قانون‌مند داشته باشیم، فضای مجازی برای کشور یک فرصت می‌شود، و آلا ممکن است تهدید بشود (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۶/۰۶/۱۴۰۳).

ج) صدور انقلاب اسلامی

این معنا از صدور انقلاب اسلامی بر این باور و واقعیت استوار است که انقلاب اسلامی ایران فراتر از یک حادثه تاریخی و پدیده سیاسی-اجتماعی، یک گفتمان سیاسی و فرهنگی است. یعنی انقلاب اسلامی مجموعه‌ای از گزاره‌ها و احکام منطقی مرتبط و نظام معنایی و دلالت است که نظم سیاسی-اجتماعی و رویه‌ها و رفتارهای خاصی را مشروع و ممکن می‌کند (هوارت، ۱۳۷۸: ۱۹۵-۲۰۰)؛ زیرا انقلاب اسلامی ایران یک رویداد تاریخی نیست که در ۲۲ بهمن ماه ۱۳۵۷ پایان پذیرفته باشد، بلکه دسته‌ای از ایده‌ها، انگاره‌ها، گزاره‌ها، باورها، مفاهیم، مقولات و معانی است که به حیات



سیاسی-اجتماعی جامعه انسانی معنا می‌بخشد و رفتار و رویه‌های اجتماعی-سیاسی را تولید و بازتولید می‌کند (میلیکن (Milliken)، ۱۹۹۹: ۲۳۰-۲۲۹).

۲-۲. پیشینه پژوهش

یکی از نکات مهم در این تحقیق فقدان یا کمبود ادبیات موضوع در مسئله مورد تحقیق است. گرچه تا کنون بحث‌ها، مقالات و تفسیرهای زیادی در مورد صدور انقلاب اسلامی و حکمرانی مجازی گفته و نوشته شده است، اما مدل الگوی حکمرانی مجازی در صدور انقلاب اسلامی بر اساس ارزش‌های انقلاب اسلامی کمتر بوده است. آنچه در این بخش بررسی می‌شود، مرور بخشی از تحقیقات مشابه در قلمرو موضوعی این پژوهش است.

جدول شماره ۱: پیشینه پژوهش

نویسنده(گان) و روش استفاده‌شده	اهداف یا سؤال‌های اصلی	مهم‌ترین یافته‌ها
باهنر و مهدی‌پور (۱۳۹۸)، با روش توصیفی-تحلیلی	تحلیل دلالت‌های سیاسی در اندیشه رهبری درباره فضای مجازی	به طور کلی دیدگاه سیاستی ایشان در یک چارچوب تمدنی قابل فهم است و همچنین نگاه فرصت‌محور به فضای مجازی بر نگاه تهدیدمحور غلبه دارد.
دهقان اشکذری و جلالی‌فراهانی (۱۴۰۰)، با روش توصیفی-تحلیلی	ارائه حکمرانی مردم‌محور اسلامی بر فضای مجازی	نظام پدافندی فضای مجازی در ذهن تک‌تک افراد جامعه شکل بگیرد که در غیر این صورت و صرف استفاده از ابزار و فناوری و نیروی دفاعی، پدافند موقفی شکل نخواهد گرفت.
قربانی، حمزه‌پور و اصغرکیا (۱۴۰۲)، با روش توصیفی-تحلیلی	شناسایی و تحلیل راهبردی عوامل مؤثر بر بهبود عملکرد حکمرانی فضای مجازی	حکمرانی فضای مجازی جمهوری اسلامی ایران در وضعیت نامطلوبی به سر می‌برد و نیازمند تغییر و تحول اساسی است



نویسنده(گان) و روش استفاده شده	اهداف یا سؤال‌های اصلی	مهم‌ترین یافته‌ها
فرزندی اردکانی (۱۳۸۶)، با روش توصیفی-تحلیلی-اسنادی	مبانی نظری صدور انقلاب از منظر امام خمینی	در اندیشه امام خمینی صدور انقلاب به دلیل ماهیت و ویژگی‌های ایدئولوژیک انقلاب اسلامی به عنوان وظیفه و تکلیف مطرح بوده و بر مبانی اعتقادی مبتنی است.
رشید کردستانی و ازغندی (۱۳۹۹)، با روش اسنادی و کتابخانه‌ای	نقد و بررسی دکترین صدور انقلاب در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران	دکترین‌ها در سیاست خارجی جمهوری اسلامی، بیشتر توجه‌کننده اقدامات پیشین هستند نه راهنمای اقدامات بعدی
فیروزآبادی و احمدآبادی (۱۳۹۹)، با روش اسنادی-تحلیلی	تحلیل پیشینه حکمرانی فضای مجازی جمهوری اسلامی ایران	مقاله پیش‌بینی می‌کند که ادامه این روند در دهه آتی منجر به کاهش ظرفیت حاکمیت می‌گردد
رجبی (۱۴۰۰)، با روش توصیفی-تحلیلی	رهیافتی بر ماهیت صدور انقلاب در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای	یافته‌های این تحقیق نشان از آن دارد که در اندیشه رهبر انقلاب اسلامی صدور انقلاب در معنا، اهداف و روش‌ها دارای ماهیتی نرم‌افزارانه و فرهنگی است که در تقابل با رویکرد فهری و سخت‌افزارانه آن قرار می‌گیرد
غلامی و احمدپور (۱۳۹۹)، با روش توصیفی-تحلیلی	الگوی شش ضلعی فضای مجازی در جمهوری اسلامی ایران	در کل حکمرانی جمهوری اسلامی ایران در یک بازه زمانی پنج‌ساله تشکیل می‌دهد و توجه همزمان به تمام این موارد باید مد نظر حکمرانان فضای مجازی کشور باشد.

۲-۳. وجه نوآوری پژوهش حاضر در مقایسه با مطالعات پیشین

در این تحقیق بر خلاف پژوهش‌های پیشین که بیشتر به مزایا و معایب حکمرانی مجازی و صدور انقلاب اسلامی پرداخته‌اند، به این لایه معنایی تأکید دارد که بهره‌مندی از الگویی پویا، اثربخش و هوشمند در طراحی الگوی صدور ارزش‌های انقلابی با تکیه بر تجربه انقلاب اسلامی باید با درک عمیق مفاهیم فلسفی و مبانی نظری تحول‌بنیادین و با درک تحولات منطقه‌ای، ملی و جهانی، نسبت به شناسایی قوت‌ها و ضعف‌ها و فرصت‌ها و تهدیدها اقدام و با شناسایی منابع و امکانات و موانع همراه باشد تا چگونگی دستیابی به تحقق اهداف مندرج را ترسیم نماید. لذا این پژوهش از دو ویژگی منحصر به فرد بهره می‌برد: الف) تلاش جهت تبیین حکمرانی مجازی؛ ب) احصای شیوه‌های صدور ارزش‌های انقلاب اسلامی در بستر حکمرانی مجازی.

۳. روش پژوهش

۱-۳. استراتژی کلی تحقیق: پژوهش حاضر از نوع کاربردی و راهبردی کلی آن کیفی است. بر اساس تعاریف موجود، راهبرد کیفی شامل پژوهش‌هایی می‌شود که یافته‌های آنها از شیوه‌های غیرکمی و غیرآماره‌ای به دست آمده‌اند (استراوس و کوربین، ۱۳۸۴: ۷) و در این نوع پژوهش‌ها محقق در پی فهم عمیق‌تر موضوعات و پدیده‌هاست و معمولاً نتایج آن بیشتر توصیفی است و ابعاد، مقوله‌ها و روابط از اطلاعات توصیفی حاصل می‌شوند (ازکیا و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۰۹-۱۱۰).

۲-۳. روش‌های گردآوری داده‌ها: گردآوری داده‌ها به صورت کتابخانه‌ای و اسنادی است. ساختار مقاله حاضر به این صورت است که ابتدا مبانی نظری پژوهش در قالب صدور انقلاب اسلامی و حکمرانی مجازی به صورت مختصر مرور شده و پس از بیان پیشینه تحقیق و نیز جزئیات روش تحلیل کیفی «استراوس و کوربین»، یافته‌های پژوهش در چند موضوع حکمرانی، حکمرانی مجازی و وضعیت مطلوب حکمرانی مجازی جهت صدور ارزش‌های انقلاب اسلامی تشریح می‌گردد. در ادامه با توجه به یافته‌های تحقیق، مدل حکمرانی مجازی تبیین و در نهایت پیشنهادهایی ارائه می‌شود.

۴. یافته‌های پژوهش

در باب حکمرانی مجازی ما با دو دسته مباحث در ارتباطیم: یک- حکمرانی بر داده‌ها؛ دو- حکمرانی با داده‌ها. در رهیافت نخست نظام‌های سیاسی تلاش می‌کنند از طریق تنظیم‌گیری و قانون‌مند کردن کلیه فرایندهای جمع‌آوری، ذخیره‌سازی، نگهداری، استفاده و بازیابی داده‌های شخصی شهروندان خود، اهداف و مقاصد حکمرانی ملی را برآورده نمایند. در رهیافت دوم، حکمرانی در معنای وسیع‌تری دیده می‌شود و با مبنای قراردادان توسعه کسب‌وکارهای بومی به عنوان یک برگ برنده در سطح بین‌المللی در صدد پرورش و برانگیختن شرکت‌های داده‌محور داخلی برمی‌آیند. نکته حائز اهمیت این است که ارتباط لایه‌های حکمرانی در فضای مجازی نقش اساسی دارد (محمدی، ۱۳۹۹: ۱۳).



شکل شماره ۱: ارتباط میان لایه‌های حکمرانی فضای مجازی

۴-۱. الگوهای حکمرانی فضای مجازی حاکم در کشورها

به طور کلی الگوی تنظیم‌گری در هر کشوری در خصوص موضوعات روز یا فضای مجازی تا حد بسیاری متأثر از نظام سیاسی و رژیم حکمرانی آن است. همین موضوع در مدلی که برای تنظیم‌گری بر اینترنت و فضای مجازی انتخاب می‌شود، نیز بسیار مهم است؛ لذا طبقه‌بندی الگوهای حکمرانی فضای مجازی شامل موارد زیر است:

الف) الگوهای حکمرانی فضای مجازی در نظام لیبرالیستی: الگوی حاکم بر ایالات متحده آمریکا مبتنی بر الگوی آزاد بوده است، هرچند این الگو در سال‌های اخیر دچار تغییراتی شده است.

ب) الگوهای حکمرانی فضای مجازی در نظام مشارکتی اروپا: احترام به حریم خصوصی شهروندان و حقوق بشر مهم‌ترین دغدغه این الگوی حکمرانی است و در صورت فراهم‌نشدن امنیت برای شهروندان اروپایی، با واکنش و مداخله حاکمیت مواجه می‌شوند.

ج) الگوی حکمرانی فضای مجازی در نظام فکری کنترلی و دولت‌محور: دغدغه اصلی این الگو حفظ امنیت سیاسی است. الگوی چینی، الگوی روسی و شبکه ملّی اطلاعات ایران در این دسته‌بندی قرار دارند. این رویکرد طرفدار نظام‌مندساختن اینترنت حول نهادهای قانونی متمرکز است. تلاش این کشورها بر جداسازی و زیرساخت ارتباطی خود با زیرساخت‌های جهانی و بومی‌سازی اینترنت داخلی با هدف افزایش استقلال و اقتدار سایبری متمرکز است (رفسنجانی‌نژاد، ۱۴۰۱: ۱۷).

۲-۴. آسیب‌ها و نقاط ضعف حکمرانی غربی

در این قسمت در صدد پاسخ به پرسش اول فرعی پژوهش هستیم. بر اساس سندی که بانک جهانی در سال ۲۰۰۶ میلادی توسط کافمن، کری و ماسترازی انتشار داد، حکمرانی خوب دارای شش شاخص است: پاسخ‌گویی، ثبات سیاسی، اثربخشی دولت، کیفیت قوانین و مقررات، حاکمیت قانون و کنترل فساد (آرنت و عمان، ۲۰۰۸: ۱۱). بر اساس اعلام بانک جهانی هر قدر کشوری به این شاخص‌ها نزدیک‌تر باشد، آن کشور از نرخ رشد اقتصادی بالاتری برخوردار بوده، رشد بخش خصوصی مؤثرتری خواهد داشت. همچنین میزان مرگ‌ومیر در آن کاهش و ورود سرمایه خارجی افزایش می‌یابد (پوراآقایی، ۱۳۸۳). بر عکس هر قدر کشوری با این شاخص فاصله داشته باشد، به همان اندازه رشد اقتصادی کاهش خواهد داشت (حسین‌تاش، ۱۳۹۳: ۸-۲۷). با توجه به دیدگاه‌های مزبور در زمینه شاخص‌هایی که بانک جهانی ذکر کرده است و اهمیتی که این شاخص‌ها دارد، در ادامه هر یک از این شاخص‌ها از نظر بانک جهانی بررسی و نقد می‌شود.

پاسخ‌گویی و حق اظهار نظر: یکی از شاخص‌های حکمرانی خوب را پاسخ‌گوبودن مسئولان و

حاکمان می‌دانند؛ اما سؤال این است که آیا در جامعه حق اظهار نظر یعنی آزادی بیان از ناحیه



شهروندان، احزاب سیاسی، تشکل‌ها، انجمن‌ها، ادیان و مذاهب، رسانه‌های جمعی، اقوام و نژادها وجود دارد؟ (حسین‌تاش، ۱۳۹۳: ۸-۲۷).

بررسی و نقد: بررسی انجام‌شده نشان می‌دهد نظام‌های مدرن از طریق محدودیت‌هایی که برای شهروند‌های خود به بهانه ایجاد قوانین و امنیت به وجود آورده‌اند، مانع مشارکت مردم در جامعه و عدم آزادی بیان می‌شوند. حتی در بعضی کشورها به بهانه امنیت، داشتن چادر و گذاشتن روسری بر اساس اعتقادات دینی منع می‌شود و اجازه رفتن به دانشگاه و تحصیل را از آنها منع می‌کند.

ثبات سیاسی و نبود خشونت: یکی دیگر از شاخص‌های حکمرانی غربی را پاسخ‌گوبودن مسئولان و حاکمان می‌دانند. اینها معتقدند یکی از شاخص‌هایی که رشد پایدار اقتصادی را امکان‌پذیر می‌کند، ثبات سیاسی و عدم خشونت یعنی محیط پایدار و امن است؛ به عبارت دیگر ثبات سیاسی از جمله ملزومات رشد باثبات اقتصادی است و ریشه در اصل عدالت و برابری دارد؛ یعنی در صورتی ثبات سیاسی تحقق می‌یابد که عدالت اجتماعی و برابری در جامعه حاکم باشد. بر اساس این شاخص، هر قدر احتمال نبود ثبات سیاسی در یک کشور بیشتر باشد، نشان‌دهنده حکمرانی ضعیف است و هر قدر کشوری از ثبات بیشتری برخوردار باشد، در زمینه حکمرانی خوب امتیازی بالاتری کسب می‌کند (نادری قمی، ۱۳۹۰).

بررسی و نقد: همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، بر اساس این شاخص، رابطه میان ثبات سیاسی و توسعه اقتصادی برقرار است؛ یعنی هر قدر ثبات سیاسی برقرار باشد، به همان اندازه، توسعه اقتصادی نیز برقرار خواهد شد. اما امروزه شاهدیم که حکمرانی در این بخش هم قرین توفیق نبوده، به بهانه کسب و غارت منابع و انرژی به کشورهای دیگر حمله می‌کنند و بعضی از قسمت‌های یک کشور را اشغال می‌کنند. نمونه بارز آن حمایت دولت‌های بزرگ از داعش و هزینه‌های سرسام‌آور به بهانه مهار تروریسم باعث شد میلیاردها دلار برای خاورمیانه هزینه کنند تا به مطامع خود که همانا دست‌یابی به انرژی ارزان است، دست یابند. لذا دولت‌های لیبرالیسم در تلاش‌اند با دست‌گذاشتن روی تضاد فرهنگی و قومی یک کشور آنجا را به سوی ناآرامی سوق دهند. از طرفی به بهانه امنیت، اعتراض‌های مردمی را برنمی‌تابند و به شدت سرکوب می‌کنند و به جای اقدامات مسالمت‌آمیز، جامعه را درگیر ناآرامی و شورش می‌کنند. این شیوه نه تنها برای دولت خود بلکه برای دولت‌های دیگر مخصوصاً برای

جهان سوم به کار می‌برند؛ زیرا برای دولت‌ها ارزشی قائل نیستند؛ لذا حکمرانی‌های غربی نتوانسته است عدالت را برای مردمان خود به ارمغان بیاورد.

اثر بخشی دولت‌ها: یکی دیگر از شاخص‌های حکمرانی غربی مسئله اثر بخشی است. منظور از اثر بخشی دولت، میزان استفاده از مهارت‌های فنی و کاری مدیران و میزان کارایی دیوان‌سالاری دولت است. به عبارت دیگر منظور از این شاخص آن است که دولت در جمع‌آوری درآمدهای مالیاتی و سایر درآمدهای دولتی، همچنین در اجرای نوآوری‌های سیاسی ملی، تدوین بموقع بودجه‌های سالانه، نظارت بر فعالیت‌های اقتصادی-اجتماعی، ایجاد زیرساخت‌های ملی و حل مشکلات اقتصادی داخلی توانا باشد؛ همچنین به میزان توانایی دیوان‌سالاری بر ارائه خدمات مدنی بدون تأثیر پذیرفتن از تغییرات سیاسی و جابه‌جایی‌های صورت گرفته در ساخت قدرت سیاسی نیز به اندازه توانمندی دولت در رویارویی با بلاهای طبیعی، مدیریت بدهی‌های خارجی و در تمرکززدایی از فعالیت‌های دولتی، به همان اندازه، توسعه اقتصادی و حکمرانی خوب تحقق یافته است؛ همچنین وجود رقابت در بین کارکنان دولتی، کیفیت مدارس عمومی و کارایی نیروی پلیس از زیرمجموعه‌های شاخص اثر بخشی دولت است (حسین‌تاش، ۱۳۹۳: ۸-۲۷). خلاصه آنکه منظور از این شاخص، کیفیت خدمات عمومی و شهروندی و همچنین کیفیت تدوین و اجرای خط‌مشی‌های عمومی و دولتی و میزان تعهدی است که دولت در برابر این سیاست‌ها دارد. هرچه کیفیت خدمات عمومی و شهروندی بهتر باشد و خط‌مشی‌های عمومی به دور از جنجال‌ها و خط و ربط‌های سیاسی وضع و اجرا شوند و تعهد نظام سیاسی در قبال آنها بیشتر باشد، بیانگر وضعیت بهتری در حکمرانی خوب است (نادری قمی، ۱۳۹۰: ۷۶ / حسین‌تاش، ۱۳۹۳: ۲۷-۲۸).

بررسی و نقد: این نکات فقط در حد دیدگاه نظری است، ولی در عمل خلاف آن چیزی است که ما شاهد آن‌ایم. برای فهم توانایی حکمرانی در برقراری اثر بخشی دولت در جامعه کافی است از مردم نظر خواهی شود. نظرسنجی‌ها نشان می‌دهد میزان رضایت مردم از دولت‌ها در مسئله اثر بخشی زیر پنجاه درصد حتی ۲۰ درصد است؛ به عبارت دیگر این امر نشان می‌دهد مردم رضایتی از دولت‌های خود ندارند؛ زیرا با کسب درآمدهای بالا، باز شهروندان در کسب مایحتاج خود دچار مشکلات فراوان‌اند. اگرچه حکمرانی با بهانه‌هایی مثل جنگ و بیماری‌های کرونا در صدد است



ضعف‌های خود را توجیه کند، این توجیحات باور و اذهان مردم را به سمت دولت‌ها مثبت نمی‌کند و در یک کلام، اعتماد عمومی شهروندان نسبت به دولت‌ها روز به روز در حال کاهش است.

کیفیت قوانین و مقررات: یکی دیگر از شاخص‌های حکمرانی غربی موضوع قوانین و مقررات است. منظور از این شاخص توان‌مندی دولت در تدوین و اجرای سیاست‌ها و قوانین و مقررات است. اصولاً کیفیت قوانین و مقررات مصوّب به عنوان پایه‌های اصلی نهادهای رسمی، نقش مهمی در موفقیت توسعه و اصلاحات اقتصادی و سیاسی دارد. هر قدر قوانین و مقررات موجود از کیفیت بهتری برخوردار باشد، حکمرانی وضعیت بهتری پیدا خواهد کرد؛ مثلاً می‌توان قوانین مورد نیاز در عرصه تجاری را سازگار با قوانین کشورهای دیگر تدوین نمود و به آنها به طور ساده دست یافت و آنها را به صورت شفاف و یکسان تفسیر و پیش‌بینی نمود؛ همچنین می‌توان قوانین و مقرراتی را درباره کار، مالیات، تجارت و بازرگانی تدوین نمود که با رشد فعالیت‌های اقتصادی سازگار باشد و از تحمیل هر گونه هزینه اضافی جلوگیری کند. به عبارت دیگر هر قدر دولت بتواند با تدوین سیاست‌ها و نظام‌های گوناگون، موجبات توسعه فعالیت‌های بخش خصوصی و اثرگذاری بیشتر آن بر اداره جامعه را فراهم آورد، شاهد سطح بالاتری از حکمرانی خوب خواهیم بود (حسین‌تاش، ۱۳۹۳: ۸-۲۷).

ارزیابی و نقد: اما چون قانون‌گذاران از طیف‌ها و جناح‌های مختلفی به پارلمان راه پیدا می‌کنند، برای حمایت از تمامی شهروندان، به صورت ناخودگاه سمت‌وسوی جناحی و حزبی به خود می‌گیرند. یا اینکه دولت‌ها در ارائه طرح و لوایح به مجلس، جانب دولت خود را می‌گیرند تا اولویت دادن به خواست شهروندان؛ برای نمونه یکی از ضعف‌های حکمرانی، عدم موفقیت در کاستن تضاد و فشار طبقاتی است. تنها کاری که دولت‌ها می‌کنند، این است که به شهروندان فقیر خود بارانه معیشت پرداخت کنند یا در موارد بحرانی، توسط کلیساها، غذای مجانی توزیع کنند یا با وام‌هایی با بهره کم به آنها خدمات دهند؛ اما این عملکردها در حد مسکن دردهای جامعه است، در حالی که دولت‌ها باید برای درمان مشکلات موجود همت کنند.

در بحث حاکمیت قانون نیز باید گفت حکمرانی غربی موفق نبوده است؛ زیرا منظور از این شاخص کیفیت اجرای قراردادها، عملکرد پلیس و محاکم قضایی است. اگر پس از انعقاد قراردادها،



پیمان‌ها و تعهدات، اعم از دولتی یا خصوصی، نتوان چندان به اجرای آنها امید داشت و همچنین اگر جرم و تخلف به سبب عملکرد ضعیف پلیس و محاکم قضایی قابل پیگیری نباشد، نشان‌دهنده وجود حکمرانی ضعیف در یک کشور است. به عبارت دیگر منظور از حاکمیت قانون در فرایند حکمرانی این است که سیاست‌گذاران همانند شهروندان در برابر قوانین یکسان تلقی شوند و در برابر عملکرد خود پاسخ‌گو باشند. بر اساس این شاخص، رعایت اصول عدالت، انصاف و استقلال در دستگاه قضایی و سرعت در اجرای مراحل قضایی تأثیر زیادی بر تثبیت حاکمیت قانون دارد (دبیرخانه مجمع تشخیص مصلحت نظام و دانشگاه آزاد اسلامی، ۱۳۸۹: ۶۷). همچنین تأثیرگذاری دولت یا سایر افراد بر فرایند قضاوت و نحوه تصمیم‌گیری در امر حاکمیت قانون مهم تلقی شده است.

ارزیابی و نقد: در این زمینه نیز دولت‌ها در اجرای عدالت دچار مشکلات عدیده‌ای هستند. نمونه بارز آن رفتار پلیس آمریکا با شهروندان سیاه‌پوست است یا رفتار حاکمان هند با اقلیت‌های مذهبی در کشور نمونه‌هایی است که حکمرانی نتوانسته است عدالت قضایی را در جامعه به نحو احسن اجرا کند. از طرفی فساد و رشوه باعث شده است عملاً دزدها و معتادان دست به سرقت بزنند و این کار کم‌کم به سمت عدم امنیت حرکت خواهد کرد. به عبارت دیگر زمانی افراد شرور و معتاد به بهانه‌های مختلفی دست به سرقت منازل می‌زنند و این امر در آینده نشان می‌دهد حرکت آنها به سوی تهدید امنیت جانی و مالی شهروندان را نشانه گرفته است.

مهار فساد و حکمرانی غربی: یکی از شاخص‌های حکمرانی خوب از دیدگاه بانک جهانی، مهار فساد اداری است. عوامل بسیاری بر این شاخص مؤثرند که برخی از آنها عبارت‌اند از: میزان فساد در کشور؛ گسترش روابط خانوادگی؛ استفاده از قدرت به نفع دوستان؛ گسترش دیوان‌سالاری که زمینه بروز فساد را فراهم می‌کند؛ میزان شیوع پرداخت غیرقانونی در بین افراد و شرکت‌های دولتی برای پیش‌برد کارها؛ پرداخت‌هایی که برای اثرگذاری بر فرایند قانون‌گذاری انجام می‌شود؛ بی‌اعتمادی عمومی به درست‌کاری مالی سیاست‌مداران؛ پرداخت‌هایی که برای دستیابی به مجوزهای صادراتی و وارداتی همچون فرار مالیاتی صوت می‌گیرد؛ استفاده سیاست‌مداران از بودجه عمومی و درنهایت پرداخت‌های غیرقانونی که توسط افراد بانفوذ و همچنین انحصارات در جهت زیان سایر بنگاه‌ها صورت می‌گیرد. اینها عوامل مهمی هستند که وضعیت شاخص کنترل فساد را تعیین می‌کنند. به



عبارت دیگر وجود این عوامل نشان‌دهنده حکمرانی ضعیف و فقدان آنها بیانگر رتبه بالاتری از حکمرانی خوب است (حسین تاش، ۱۳۹۳: ۸-۲۷).

ارزیابی و نقد: در این زمینه نیز حکمرانی غربی موفق به نظر نمی‌رسد؛ زیرا عملاً با گسترش دیوان‌سالاری در دولت‌های مدرن، زمینه رانت و فساد در جامعه گسترش یافته است. آنچه در بیشتر دولت‌ها باعث فساد اقتصادی می‌شود، وجود فساد سیاسی و رانتی است که یک دولت‌مرد در ساختار حکومتی دارد و از این طریق بستگان و خانواده وی نیز در دولت نفوذ می‌کنند. خلاصه آنکه بررسی‌های موجود نشان می‌دهد حکمرانی غربی نتوانسته است به اهداف خود دست یابد؛ لذا دولت‌مردان تلاش می‌کنند به سمت وسوی حکمرانی مجازی حرکت کنند تا نواقص موجود در حکمرانی را جبران کنند.

۳-۴. توجه به وجود واقعیتهای به نام حکمرانی مجازی

این بخش در صدد پاسخ به پرسش دوم فرعی پژوهش است. فضای مجازی عبارت است از نظام‌های اجتماعی حاصل از تعامل کاربران بر بستر شبکه. فضای سایبری (Cyberspace) ریشه در سایبرنتیک (Cybernetics) دارد و سایبرنتیک به عنوان یک حوزه علمی به سال‌های بعد از جنگ جهانی دوم در ایالات متحده برمی‌گردد (آمپلی (Umpleby)، ۲۰۰۵: ۵۶). از دهه ۱۹۵۰ میلادی که اولین رایانه‌های تجاری ساخته شد، اولویت‌های سازمان اطلاعات ایالات متحده مبنی بر شست‌وشوی مغزی و کنترل ذهنی منجر به تزیق بودجه پژوهشی بسیاری در حوزه بین‌رشته‌ای مطالعات زیستی و سایبرنتیک شد. از اوایل دهه ۱۹۶۰ و طی جنگ سرد، سرمایه‌گذاری شوروی نیز بر سایبرنتیک آغاز شد و آمریکایی‌ها در این رقابت مجموعه‌ای از مؤسسات و پژوهشگاه‌های سایبرنتیک را با عنوان «جامعه سایبرنتیک آمریکا» تأسیس کردند. بدین ترتیب در دهه ۱۹۶۰ پژوهش‌های سایبرنتیکی به صورت سازمان‌یافته‌ای توسعه پیدا کرد و در اواخر دهه ۱۹۶۰ منجر به تأسیس آزمایشگاه رایانه‌ای زیستی در دانشگاه ایلینویز شد. این ایده که انسان می‌تواند با ماشین تعامل داشته باشد و فضای ارتباطی انسان‌ها می‌تواند بر بستر ماشین به وجود آید، زمینه شکل‌گیری مفهوم فضای سایبری شد.



بسیاری به اشتباه فضای مجازی را با اینترنت یا دیگر شبکه‌های برآمده از فناوری اطلاعات و ارتباطات یکسان می‌گیرند؛ اما باید توجه نمود که اولاً آنچه فضای مجازی را فضای مجازی می‌کند، اتصال فناوری‌های اطلاعات، توسط فناوری‌های ارتباطات نیست، بلکه نظر مثبت کاربران (اعتبار و جوب) است که این نوع اتصال را مؤثر (معتبر) دانسته، فضای مجازی را در حکم عالم واقع مؤثر می‌کند (فیروزآبادی، ۱۳۹۹: ۵۶۳-۵۹۸).

کاربرد مفهوم حکمرانی تا دهه ۱۹۸۰ تفاوتی با مفهوم دولت نداشت. در آن دوران، منظور از حکمرانی، پیروی از الگوهای قواعد بود و ساختار حکمرانی، بروکراسی سلسله‌مراتبی ویر بود. در تفکر سنتی، حکمرانی به معنای هدایت و راهبری یک کشور، جامعه یا ملت به وسیله تقسیم وظایف میان بخش‌های حاکمیت است. با راه‌افتادن موج اول اصلاحات اداری بعد از بحران‌های مالی دهه ۱۹۷۰ و از سوی دیگر تغییرات جهانی به‌ویژه در حوزه اقتصاد بین‌الملل، نیاز به حکمرانی در معنای نوین آن شکل گرفت (بویر (Bevir)، ۲۰۱۰: ۲۱-۱۷).

با پایان یافتن جنگ جهانی دوم و آثار تخریبی و فقر شدیدی که در جهان فراگیر شده بود، بسیاری از کشورها به سوی الگوهای کینزی از اقتصاد رفتند. غلبه تفکر اقتصاد کینزی از ۱۹۴۵ تا ۱۹۷۳ و مسائل جنگ سرد موجب شکل‌گیری دولت‌ها در قالب دولت رفاه شد. دولت رفاه شکلی از دولت است که خود را مکلف به توزیع عادلانه ثروت و امتیازات اجتماعی میان شهروندان می‌داند. سرمایه‌گذاری جدی بر نظام‌های آموزشی، مراقبت و درمان و تأمین اجتماعی از جمله تأکیدات اصلی دولت رفاه به شمار می‌آید. بزرگی فزاینده دولت‌ها، نرخ بالای تورم و دشواری تأمین مالی سازوکارهای دولت رفاه همراه با بحران مالی دهه ۱۹۷۰ موجب رکود تورمی و گرایش به ساختارهای نتولیرال دولت شد.

مدیریت دولتی نوین و نهضت بازآفرینی دولت، تجویزهای نتولیرال برای مقابله با آسیب‌های دولت رفاه در دهه ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ بود. اساس ایده این رویکردها، استفاده از مکانیسم‌های رقابت و کارایی بخش خصوصی در بخش دولتی بود. فعال‌سازی بخش خصوصی، انجام کارها از طریق عاملیت، به‌پیمان‌سپاری، کوچک‌سازی دولت، تنظیم مقررات و ... ادبیاتی است که در پی موج اول اصلاحات اداری و به‌طور خاص در مدیریت دولتی نوین شکل گرفت (مکلوگین و فریل (McLaughlin & Ferli)، ۲۰۰۲: ۱۲-۷).



با گسترش وسیع خصوصی‌سازی و واگذاری بسیاری از امور به بخش خصوصی، مسئله هماهنگی و سازوکارهای مدیریت افقی شکل گرفت. مسئله اصلی موج دوم اصلاحات اداری، تعامل شبکه‌ای از بازیگران بود که دیگر نه در روابط اقتدار سلسله‌مراتبی بلکه در شرایطی با دولت ارتباط دارند که استقلال خود را حفظ کرده‌اند و پیمانکار دولت به شمار می‌روند. موضوع تعامل با شبکه‌ای از بازیگران مستقل اما به هم وابسته فقط در عرصه ملی مطرح نبود، بلکه با توسعه اقتصاد جهانی و همکاری‌های بین‌المللی، این موضوع اهمیتی دوچندان یافته بود. علوم اجتماعی‌ها می‌گفتند ظرفیت دولت هم در سکان‌داری و هم در پارو زدن کاهش یافته است و لازم است استراتژی‌های متنوعی برای ظرفیت‌سازی دولت در حکمرانی ایجاد شود (بویر، ۲۰۰۷: ۳۶۶). ادبیات شبکه، همکاری و هماهنگی از جمله ادبیاتی است که در این دوره تاریخی به وجود آمد. در موج دوم اصلاحات اداری طیفی از رویکردها وجود دارد؛ از قائلان به دولت در عرض بقیه بازیگران تا رویکردهایی که قائل به حذف دولت‌اند.

۴-۴. وضعیت مطلوب، الگوی حکمرانی مجازی انقلاب اسلامی

در برنامه توسعه پنج‌ساله هفتم ابلاغی مقام معظم رهبری این طور آمده است: «برقراری حاکمیت ملی و صیانت از ارزش‌های اسلامی-ایرانی در فضای مجازی با تکمیل توسعه شبکه ملی اطلاعات و تأمین محتوا و خدمات متناسب و ارتقای قدرت سایبری در تراز قدرت‌های جهانی با تأکید بر مقاومت‌سازی و امنیت زیرساخت‌های حیاتی و کلان‌داده کشور».

چند کلیدواژه مهم در بند ۱۹ برنامه توسعه پنج‌ساله دیده می‌شود که زمینه و حرکت به سوی حکمرانی مجازی را برای نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران به ارمغان خواهد آورد:

الف) ارتقای قدرت: قدرت انقلاب ایران نه به دلیل قدرت نظامی یا اقتصادی آن بلکه به سبب وجه فرهنگی و معنوی آن است. انقلاب اسلامی ایران یک مصداق از مصادیق گفتمان معنویت‌خواهی در سیاست یا حضور دین در سیاست است که امروزه نمود عملی این خواسته و تکرار آن را در قیام‌های کشورهای مسلمان که به نام بیداری اسلامی خوانده می‌شود، شاهد هستیم. این مطالبه در کشورهای اسلامی از راه قهر و زور به آنها منتقل نشده است، بلکه این همان قدرت نرم



انقلاب اسلامی ایران است که ریشه در اعتقادات اسلامی مشترک همهٔ مسلمانان دارد و به صورت غیرمستقیم در این کشورها باعث خیزش‌های اسلامی شده است و همچنان ادامه دارد. یکی از جامع‌ترین تعاریفی که از قدرت نرم شده است، تعریفی است که جوزف نای ارائه کرده است. او قدرت نرم را عبارت از «توان شکل‌دهی به ترجیحات دیگران از طریق قدرت جذابیت» (نای، ۱۳۸۷: ۴۳) می‌داند که در فرهنگ، ارزش‌ها و سیاست خارجی یک کشور متجلی می‌شود (نای، ۱۳۸۷: ۵۱). مسلم است که توانایی شکل‌دهی ترجیحات دیگران نیازمند یک کار فرهنگی است و از طریق تأثیرگذاری بر ذهن و روان مخاطبان انجام می‌پذیرد و آنها را قانع می‌کند موضوعی را بپذیرند یا مانند آن عمل کنند و به هیچ وجه چنین امری از طریق کاربرد زور فیزیکی امکان‌پذیر نخواهد شد (جمالزاده، ۱۳۹۱: ۶۱-۸۶).

ب) صیانت از ارزش‌های انقلاب اسلامی: آنچه در برنامه توسعه پنج‌ساله هفتم مد نظر رهبران انقلاب اسلامی بوده است، بحث صیانت و دفاع از ارزش‌های انقلاب اسلامی است؛ همان چیزی که انقلاب اسلامی را بر دیگر انقلاب‌های جهان و نظام‌های سیاسی برتری می‌بخشد و باعث تمایز از آنها می‌شود.

روشن است شکل‌گیری فضای مجازی برای انقلاب اسلامی که انگیزه تمدن‌سازی و جهانی شدن دارد، فرصتی طلایی است؛ به بیان دیگر شکسته‌شدن مرزهای فیزیکی و کمرنگ‌شدن نظم دولت-ملت بیش از آنکه برای انقلاب اسلامی تهدید باشد، فرصت است و روح تازه‌ای را به حرکت جهانی انقلاب اسلامی می‌بخشد. با این حال، همان‌طور که اشاره شد، سلطه فزاینده امریکایی‌ها در این عرصه غیرقابل انکار است و اگر فکری برای مهار قدرت امریکایی‌ها و تقویت بنیه جمهوری اسلامی در فضای مجازی نشود، نه تنها از فرصت‌های طلایی فضای مجازی نمی‌توان استفاده کرد، موجودیت انقلاب اسلامی نیز به خطر خواهد افتاد.

در این شرایط، اول از همه باید طرز تفکر واداده که قائل به لزوم هضم در فضای مجازی فعلی با هدف بقاست، به انزوا کشیده شود. آن طرز تفکری باید در متن جمهوری اسلامی باشد که نه فقط هضم‌شدن در فضای مجازی را قبول نداشته باشد، بلکه با ادراک مزیت‌های جمهوری اسلامی و در نقطه مقابل، ضعف‌های امریکایی‌ها در فضای مجازی، امکان رقابت با امریکایی‌ها



در این میدان را با کمک جهان اسلام و همچنین کشورهای مشترک‌المنافع امکان‌پذیر بدانند. ممکن است کسی بگوید اندازه سرمایه‌گذاری ما در مقایسه با امریکایی‌ها در فضای مجازی در خوش‌بینانه‌ترین وجه، یک به هزار هم نیست، در این شرایط چگونه می‌توان انتظار داشت جمهوری اسلامی ایران خود را در موقعیت رقابت با امریکایی‌ها در نظر بگیرد؟ در پاسخ می‌توان گفت نوع رقابت جمهوری اسلامی ایران با امریکایی‌ها نباید رقابت کلاسیک باشد، بلکه آن رقابتی با امریکایی‌ها موفقیت‌آمیز خواهد بود که نامتقارن و ناظر به نقاط ضعف امریکایی‌ها در فضای مجازی طراحی شود؛ ضمن آنکه جمهوری اسلامی ایران در این میدان تنها نیست و می‌تواند شرکای قدرت‌مندی را برای خود پیدا کند که هرچند ممکن است در محتوا با انقلاب اسلامی همسو نباشند، در انهدام سلطه فناوری و اقتصادی امریکایی‌ها در فضای مجازی با ایران به صورت مقطعی یا دائم در یک خط قرار دارند.

۵-۴. امکان دستیابی به واقعیت مطلوب از طریق حکمرانی مجازی انقلاب اسلامی

در برنامه توسعه پنج‌ساله هفتم سیاست‌های کلی نظام، ابلاغی مقام معظم رهبری در بند ۱۴ این طور آمده است: «تقویت کارایی و اثربخشی رسانه ملی در گسترش و تعمیق فرهنگ اسلامی-ایرانی و مواجهه مؤثر با جنگ روانی و تهاجم فرهنگی و سیاسی دشمنان» و در بند ۲۴ «تقویت زیرساخت‌ها و بهینه‌سازی سازوکارهای عمومی و دستگاهی برای مصون‌سازی و ارتقای تاب‌آوری در قبال تهدیدات به‌ویژه تهدیدات سایبری...» و در بند ۲۱ هم بر کنش‌گری فعال تأکید شده است.

از نکات کلیدی سیاست‌های کلی نظام به این موارد می‌توان اشاره کرد: ۱- تقویت و اثربخشی رسانه در مواجهه با تهاجم فرهنگی و سیاسی دشمنان؛ ۲- تقویت و مصون‌سازی و ارتقای تاب‌آوری در قبال تهدیدات به‌ویژه تهدیدات سایبری؛ ۳- کنش‌گری فعال ... همه این موارد مسیر صیانت و صدور ارزش‌های انقلاب اسلامی را فراهم می‌آورد. حکمرانی مجازی بهترین ابزار برای رسیدن به این سیاست‌های ابلاغی کلی نظام و صیانت از ارزش‌های انقلاب اسلامی است.



۵. بحث، نتیجه‌گیری و پیشنهادها

۵-۱. بحث

حکمرانی مجازی با داشتن ویژگی‌ها و ابزارها، زمینه صیانت و صدور ارزش‌های انقلاب اسلامی را فراهم می‌آورد؛ از طرفی ضعف‌های حکمرانی را از این طریق می‌توان تحت پوشش قرار داد.

ویژگی‌های فضای مجازی: فضای مجازی دارای ویژگی‌ها و مؤلفه‌هایی است که اگر عمیقاً درک نشود، مواجهه درست با آن را ناممکن می‌کند. در اینجا به برخی از آنها اشاره می‌گردد:

الف) شبکه‌ای بودن فضای مجازی: شبکه یعنی یک سیستم پیوندی تا حدی شبیه مغز و سلسله اعصاب در بدن انسان که افراد و گروه‌ها را در این فضا به هم متصل می‌کند (پوری، ۱۳۹۲: ۲۳). باید توجه داشت با همه‌گیر شدن فناوری هوش مصنوعی و بهره‌برداری تمام‌قد آن در زیرساخت‌های فضای مجازی، این شبکه شامل تجهیزات هوشمندی نیز خواهد شد که تحلیل و فهم آن را به واسطه تنوع و تعدد ربط‌ها و گره‌ها به مراتب از قبل پیچیده‌تر خواهد کرد.

ب) تعاملی بودن فضای مجازی: یعنی تولید محتوا در فضای مجازی مانند رسانه‌های سنتی یک‌طرفه نیست که فردی محتوایی را تولید و دیگران آن را مصرف کنند، بلکه در این فضا همه افراد حتی کاربران معمولی نیز در مقام تولیدکننده قرار دارند و ممکن است محتوایی تولید کنند که بیشتر از محصول یک کمپانی بزرگ تولیدی دیده شود و اثرگذاری بیشتری داشته باشد. فارغ از این، ساختار فضای مجازی چنان است که امکان ثبت کوچک‌ترین تعاملات کاربران از جمله مشاهده یک محتوا، پسندیدن آن یا ارسال آن به سایرین را به عنوان یک محتوا ثبت کند و آن را به عنوان جزئی از یک محتوای اثرگذار معنادار کند. تعداد مشاهدات، پسندها و بازارسال‌ها که معانی متعددی را در فضاهای مجازی بازنمایی می‌کنند، حاصل تجمع محتواهای کوچکی از این دست‌اند.

ج) فراسرزمینی بودن فضای مجازی: فراسرزمینی بودن یعنی مرزهای جغرافیایی و محدودیت‌های اعتباری ناشی از نظم سیاسی دولت-ملت مانع از کارکردهای ملت و کارکردهای شبکه‌ای و تعاملی فضای مجازی نیست. بنابراین هرچند جغرافیا و حاکمیت ملی در فضای مجازی هنوز اثرگذار است، می‌توان در آینده نه‌چندان دور شاهد شرایطی بود که حاکمیت ملی حداقلی شده و



در مواردی از بین رفته باشد و جای آن را حاکمیتی متأثر از قواعد همه‌گیرشدن فضای مجازی بگیرد (لودر (Loader)، ۱۹۹۷/ ریدنبرگ (Reidenberg)، ۱۹۹۶/ حسین پور و قوچانی خراسانی، ۱۳۹۶: ۵۵). در این صورت کسانی که از جهات تکنیکی یا محتوایی بر فضای مجازی تسلط دارند، جهان را در مدیریت خود قرار خواهند داد (رضا غلامی، ۱۴۰۰: ۱-۲۶).

د) ابزار حکمرانی مجازی: آنچه می‌تواند تبیین ارزش‌های انقلاب اسلامی و صدور ارزش‌های انقلاب اسلامی را تسهیل کند و انقلاب اسلامی را در این عرصه موفق گرداند، داشتن ابزارهای ذیل است.

۱) محتوای ایدئولوژیک، ابزار و مزیت جمهوری اسلامی ایران: به نظر می‌رسد محتوای ایدئولوژیک جمهوری اسلامی همان مزیتی است که باید به صورت قوی و هنرمندانه از آن در جهت تغییر شرایط استفاده کرد. محتوای ایدئولوژیک جمهوری اسلامی ایران همان نیرویی است که امریکایی‌ها در برابر آن از خود نابدباری نشان می‌دهند و حاضرند هزینه‌های هنگفت سانسور و حذف آن در فضای مجازی را بپردازند.

درواقع جمهوری اسلامی باید علاوه بر حضور فعال و اثرگذار در فضای مجازی تحت سیطره امریکایی‌ها و تولید محتوای ایدئولوژیک خود در این فضا، وارد فاز ایجاد مناطق جدید و جذب‌کننده‌ای در فضای مجازی شود تا خارج از آن نیز بتواند به تولید و انتشار محتوای ایدئولوژیک خود برای مخاطب جهانی بپردازد. باید توجه داشت که منظور از آن صرفاً مناطقی با کارکرد فرهنگی یا سیاسی نیست، بلکه می‌توان این مناطق را کاملاً اقتصادی تعریف کرد و تولید و انتشار محتوای ایدئولوژیک را به شکل غیرمستقیم پی گرفت.

بنابراین ایران چاره‌ای جز سرمایه‌گذاری‌های بزرگ و تقلا برای رشد زیرساختی و همچنین رشد فناوریانه در عرصه فضای مجازی ندارد. اما روشن است که به دلیل فاصله‌هایی که در این زمینه با امریکایی‌ها وجود دارد و سرعت برق‌آسایی که رشد فناوری‌ها در فضای مجازی دارند، دست‌کم از مسیرهای عادی نخواهیم توانست به سرعت به مرز فناوری‌های حاضر در فضای مجازی برسیم. به همین دلیل جمهوری اسلامی باید در کنار یافتن میان‌برهایی برای رشد جهشی فناوری به دنبال مزیت ویژه‌ای برای خود باشد که دیگران به‌ویژه امریکایی‌ها از آن برخوردار نباشند و جمهوری اسلامی ایران



از طریق آن بتواند هرچه زودتر شرایط را، چه در داخل کشور و چه در سطح جهانی، به نفع خود تغییر دهد.

۲) حکمرانی مجازی ابزار برای جنگ نرم: نباید از نظر دور داشت که امروز فضای مجازی به مهم‌ترین ابزار جنگ فرهنگی و حتی سیاسی، اقتصادی و امنیتی امریکایی‌ها علیه جمهوری اسلامی ایران تبدیل شده است (علیمردانی، ۲۰۱۹/ نیولی و جونز (Jones&Newlee)، ۲۰۱۹). در واقع وقتی از فضای مجازی صحبت می‌کنیم، با شرایط معمولی روبه‌رو نیستیم؛ به طوری که جمهوری اسلامی ایران از این جهت با کمتر کشوری قابل مقایسه است. حتی مسئله چین و روسیه با امریکایی‌ها و عمق درگیری آنها در فضای مجازی با مسئله و عمق درگیری جمهوری اسلامی با امریکایی‌ها در فضای مجازی یک جنس و یک اندازه نیست.

طبیعی است که جمهوری اسلامی ایران در این وضعیت نه تنها باید قدرت دفاعی خود را در درجه اول در محیط سرزمینی‌اش برای مقابله با هجمه امریکایی‌ها افزایش دهد، باید توان خود را برای بازدارندگی به صورت دائمی ارتقا بخشد. البته موقعیت جمهوری اسلامی ایران در فضای مجازی صرفاً به جغرافیای سیاسی ایران محدود نیست و پیروان جمهوری اسلامی ایران در مناطق دیگر را نیز شامل می‌شود، اما هم‌اکنون نقطه کانونی هجمه‌ها ایران است.

استراتژی اصلی آمریکا در هجمه به فضای مجازی ایران، حداقل طی پنج سال گذشته، جذب ایرانیان در شبکه‌های اجتماعی تحت سیطره دولت آمریکا و انجام عملیات روانی روی آنها برای جداشدنشان از نظام اسلامی بوده است (بوچامپ (Beauchamp)، ۲۰۱۷/ راو (Rao)، ۲۰۱۹). این استراتژی به مراتب از استراتژی مختل کردن تأسیسات کشور از طریق حملات سایبری برای امریکایی‌ها مهم‌تر است. هرچند در این زمینه هم کارهای مفصلی علیه جمهوری اسلامی ایران انجام شده که بخش مهمی از آنها خنثی شده است. حتی ممکن است فکر تحریم اینترنت برای ایرانی‌ها از ذهن امریکایی‌ها عبور کرده باشد، اما تا هنگامی که فضای مجازی مسیر ضربه‌زدن به جمهوری اسلامی را برای آنها هموار می‌کند، آنها تحریم ایران در این زمینه را از حد یک تحریم تبلیغاتی جلوتر نمی‌برند؛ همچنان که سال‌هاست تنها بعضی از سرویس‌های کم‌اهمیت گوگل برای ایرانیان غیرفعال شده است (زمانی‌نژاد، ۲۰۱۵).



۲-۵. نتیجه‌گیری

فلسفه حکمرانی نیز این است که با ادغام سه بخش حکومتی، بازرگانی و جامعه مدنی، مقامات کارهای خود را به نحو مؤثرتری انجام دهند و بدین ترتیب شکل‌گیری «جامعه مطلوب» بیشتر تحقق می‌یابد. از این منظر نظام حکمرانی جامعه متکفل تصمیم‌گیری‌ها و ایجاد سازوکارهایی برای بهره‌مندی عادلانه از نعمت‌ها، مواهب و خیرات در اجتماع است. حکمرانی در واقع قدرت برتری است که در حیطه دولت-کشور، اراده‌ای فراتر از آن وجود ندارد؛ به گونه‌ای که در مقابل اعمال اراده و اجرای اقتدارش مانعی نمی‌پذیرد و از هیچ قدرت دیگری تبعیت نمی‌کند. این قدرت و اقتدار حاصل شده بر پایه ملت دارای هویت مشترک شکل گرفته و در پهنه جغرافیایی خاصی زیست می‌کنند. این اقتدار درونی و هویت ملی و مشترک با گسترش فضای مجازی در حال به‌چالش کشیده شدن است؛ زیرا فضای مجازی مثل آینه عمل می‌کند و تمامی نقاط ضعف حکمرانی را به راحتی برای همگان به تصویر می‌کشد. از طرفی قدرت انقلاب ایران نه به دلیل توانمندی نظامی یا اقتصادی آن بلکه به سبب وجه فرهنگی و معنوی آن است. انقلاب اسلامی ایران یکی از مصادیق گفتمان معنویت‌خواهی در سیاست یا حضور دین در سیاست است که امروزه نمود عملی این خواسته و تکرار آن را در قیام‌های کشورهای مسلمان که به نام بیداری اسلامی خوانده می‌شود، شاهدیم. این مطالبه در کشورهای اسلامی از راه قهر و زور به آنها منتقل نشده است، بلکه این همان قدرت نرم انقلاب اسلامی ایران است.

بنابراین فضای مجازی در زمان حاضر در تمامی ابعاد زندگی فردی و اجتماعی مردم جهان نفوذ کرده و در حال ایجاد یک تمدن جدید بشری است که از تمدن‌های قبل به مراتب فراگیرتر است. بدون شک حکمرانی چنین فضایی که از یک طرف با تسهیل ارتباط، ارائه فناوری‌ها، خدمات جدید و شگفت‌آور ضریب نفوذ بسیار بالایی داشته و از طرف دیگر با قابلیت‌های خود در حال تبدیل کردن حاکمیت ملی-حکومتی به یک حاکمیت شبکه‌ای-فرامرزی می‌باشد.

بر اساس سیاست‌های پنج‌ساله هفتم توسعه ابلاغی مقام معظم رهبری، فضای حکمرانی مجازی برای تقویت و صیانت از ارزش‌های انقلاب فراهم می‌آورد؛ زیرا بر اساس آنچه بیان شد، وقتی از صدور انقلاب بحث می‌کنیم، موضوع صدور فیزیکی و دخالت در کشورها نیست، بلکه بیان

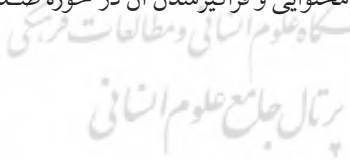


آرمان‌های انقلاب اسلامی در فضای مجازی است و همین امر طرف‌داران خود را در اقصی نقاط این کره زمین پیدا می‌کند؛ لذا حکمرانی مجازی وضعیتی مطلوب نسبت به حکمرانی غربی در صیانت و صدور ارزش‌های انقلاب اسلامی به ارمغان می‌آورد؛ زیرا آن چیزی که مزیت انقلاب اسلامی در فضای مجازی محسوب می‌شود، بحث ایدئولوژی بودن انقلاب اسلامی است.

۳-۵. پیشنهادها

درباره صیانت از صدور ارزش‌های انقلاب اسلامی در فضای حکمرانی مجازی پیشنهادهای ذیل رهگشا خواهد بود:

- ✓ طراحی استراتژی اصلی و استراتژی‌های فرعی جمهوری اسلامی ایران در خصوص تعاملات بین‌المللی فضای مجازی و حضور و کنش‌گری فعال و هدف‌مند در مجامع بین‌المللی مرتبط با فضای مجازی در جهت منافع جمهوری اسلامی ایران و انقلاب اسلامی؛
- ✓ بازتعریف سیاست‌ها و راهبردهای فضای مجازی کشور بر اساس دیدگاه کل‌نگر و پارادایمی به این پدیده فناورانه جهت صدور ارزش‌های انقلاب اسلامی؛
- ✓ ایجاد غلبه گفتمانی برای مواجهه معقول و انقلابی با فضای مجازی بر اساس الگوی حکمرانی مجازی جهت صدور ارزش‌های انقلاب اسلامی؛
- ✓ ایجاد بسیج سایبری با رویکرد محتوایی و فراگیر شدن آن در حوزه صدور ارزش‌های انقلاب اسلامی در فضای حکمرانی مجازی؛





۶. منابع

منابع فارسی

قرآن کریم

- اسپوزیتو، جان (۱۳۷۸). انقلاب ایران چشم‌اندازی ده‌ساله. ترجمه نورالله قیصری، نامه پژوهش، (۱۲-۱۳) بهار و تابستان.
- اسپوزیتو، جان (۱۳۸۲). انقلاب اسلامی ایران و بازتاب جهانی آن. ترجمه محسن مدیرشانه‌چی، تهران: مرکز بازشناسی اسلام و ایران.
- افتخاری، اصغر (۱۳۷۷). تأثیرات انقلاب اسلامی ایران درگستره جهانی. نامه پژوهش، (۱۰-۱۱)، پاییز و زمستان.
- ایرانی‌پور، الهه (۱۳۸۸). برجسته‌سازی. کتاب علوم اجتماعی، (۲۳).
- برزگر، ابراهیم (۱۳۸۲). نظریه پخش و بازتاب انقلاب اسلامی. پژوهش حقوق عمومی، ۵ (۸)، ۳۹-۷۳.
- پوری، احسان (۱۳۹۲). ارتباطات شبکه‌ای و رهبری مخاطب در شبکه‌های اجتماعی مجازی. فصلنامه رسانه، (۲۴).
- جمال‌زاده، ناصر، (۱۳۹۱). قدرت نرم انقلاب اسلامی ایران و نظریه صدور فرهنگی انقلاب. پژوهشنامه انقلاب اسلامی، ۲ (۴)، ۸۶-۶۱.
- حسین‌پور، داود، و قوچانی خراسانی، محمدمهدی (۱۳۹۶). حاکمیت شبکه‌ای در نهادهای پژوهشی امنیت سایبری. فصلنامه علمی پژوهشی فرایند مدیریت و توسعه، ۳۰ (۱)، ۸۰-۵۱.
- حسین‌تاش، سیدعلی، و واثق، قادرعلی (۱۳۹۳). حکمرانی خوب و ارائه حکمرانی شایسته بررسی و شاخص‌های این دوازده دیدگاه امیرالمؤمنین علی (ع). اسلام و پژوهش‌های مدیریتی، ۳ (۲)، ۷-۲۸.
- دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال، و رادفر، فیروزه (۱۳۸۹). الگوی‌های صدور انقلاب در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران. تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
- رفسنجانی‌نژاد، سیما. نگاهی به طراحی نظام حکمرانی فضای مجازی، در: <https://iranthinktanks.com>

رمضانی، روح‌الله (۱۳۷۸). صدور انقلاب ایران: سیاست‌های، اهداف و ابزار. پژوهشنامه انقلاب اسلامی، (۲)، تابستان.

شجاعیان، محمد (۱۳۸۲). انقلاب اسلامی و رهیافت فرهنگی. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

عاملی، سعیدرضا (۱۳۹۷). الگوی حکمرانی دوفضایی. تهران: انتشارات امیرکبیر.

غلامی، رضا و احمدپور، حیدر (۱۳۸۹). الگوی شش ضلعی حکمرانی فضای مجازی در جمهوری اسلامی ایران برای بازه زمانی پنج‌ساله. آینده‌پژوهی ایران، ۶ (۱)، ۱-۲۶.

فیروزآبادی، سیدابوالحسن و احمدی آزادی، جواد (۱۳۹۹). تحلیل پیشینه حکمرانی فضای مجازی جمهوری اسلامی ایران. دانش سیاسی، ۱۶ (۲)، ۵۹۸-۵۶۳.

محمدی، حافظ (۱۳۹۹). چالش‌های حکمرانی فضای مجازی و ارائه راهکارها برای جمهوری اسلامی ایران. دومین همایش ملی حکمرانی اسلامی، تهران.

محمدی، منوچهر (۱۳۸۵). بازتاب جهانی انقلاب اسلامی. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

هورات، دیوید (۱۳۷۸). نظریه گفتمان. در: دیوید مارش و جری استوکر، روش و نظریه در علوم سیاسی، ترجمه امیرمحمد حاجی‌یوسفی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.

منابع لاتین

Milliken, J. (۱۹۹۹). The Study of Discourse in International Relations: A Critique of Research and Methods. *European Journal of International Relations*, ۵ (۲).

ZamaniNezhad, P. (۲۰۱۵). Google play help community. In: <https://support.google.com/googleplay/forum/AAAA^CV0tD^wUiiZSUXY&s/?hl=en&gpf=d/topic/play/wUiiZSUXY&s>.